

# تأثیر آموزش پیش ازدواج بر انتظارات زناشویی نا کار آمد دانشجویان دختر در آستانه ازدواج

منوچهر کامکار<sup>۱</sup>  
مینا صالحی<sup>۲</sup>  
محمدباقر کجباف<sup>۳</sup>  
ماهان سلاسل<sup>۴</sup>

## چکیده

هدف پژوهش بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی نا کارآمد دانشجویان در آستانه ازدواج بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان در شرف ازدواج ساکن خوابگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) و نمونه تحقیق تعداد ۵۰ نفر از دانشجویان مذکور بودند که به صورت داوطلبانه در طرح شرکت نمودند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۲۵ نفر در گروه آزمایش و ۲۵ نفر در گروه کنترل) قرار گرفتند. روش تحقیق در این پژوهش نیمه تجربی (طرح پیش آزمون - پس آزمون با دو گروه آزمایش و کنترل) بود. آزمودنی‌ها قبل از جلسات آموزشی به پرسشنامه انتظارات زناشویی نا کارآمد پاسخ دادند و نمرات آنها به عنوان پیش آزمون محاسبه شد، سپس آموزش‌های پیش از ازدواج به عنوان متغیر مستقل و به صورت گروهی طی شش جلسه به گروه آزمایش ارائه شد و یک هفته پس از اتمام جلسات مجدداً به هر دو گروه آزمایش و کنترل پرسشنامه‌های انتظارات زناشویی نا کارآمد ارائه شد. داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS-18 تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش پیش از ازدواج، انتظارات زناشویی نا کارآمد دانشجویان در آستانه ازدواج را به طور معناداری کاهش داده است ( $P < 0/01$ ).

**کلید واژه‌ها:** ازدواج، آموزش پیش از ازدواج، انتظارات زناشویی، دانشجویان

۱. دکترای روانشناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).

۲. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی.

۳. دانشیار دانشگاه اصفهان.

۴. کارشناسی ارشد روانشناسی

## مقدمه

اکثر افراد در آستانه ازدواج، امید زیادی به آینده داشته، احساس می‌کنند که رابطه شان خیلی مثبت، عاشقانه و عالی خواهد ماند و می‌خواهند با هم کامل شوند و زندگی سعادت‌مندی داشته باشند (خمسه، ۱۳۸۲). در سالهای اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان مرد و زن به سستی گرائیده و خانواده به گونه فزاینده‌ای با نیروهای ویرانگر روبه رو شده است (فاورو اولسون<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶). بسیاری از طلاقتها و جداییها به این دلیل رخ می‌دهد که زوجین برای ازدواج آماده نبوده و رابطه خوبی ندارند. میزان طلاق در غرب، به ویژه آمریکا رو به فزونی بوده است به گونه‌ای که ۵۲٪ ازدواجها به طلاق ختم می‌شوند. متأسفانه نرخ رشد طلاق در کشور ما نیز طی سالهای ۸۰ تا ۸۵ به ۹/۳ درصد رسیده در حالیکه نرخ ازدواج در کشور ۳/۹۶ درصد بوده است. این امر نشان می‌دهد که رشد طلاق طی این سالها بیش از رشد ازدواج بوده است (اولیا، ۱۳۸۸). شناخت شرایط مناسب برای ازدواج آموزه‌های خاصی را می‌طلبد تا میزان موفقیت فرد را در این موضوع مهم افزایش دهد. برخی برای رسیدن به این هدف بر شناخت کافی از همسر و ویژگی‌های دیگری مانند شخصیت<sup>۱</sup> همسران (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸)، فرهنگ<sup>۲</sup>؛ دین و مذهب (حسینی، ۱۳۷۵)، آداب و رسوم (حسینی، ۱۳۷۹)، اعتقادات و باورها (کلارک وارن، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۱)، تحصیلات (ملکی، ۱۳۸۰)، وضعیت اقتصادی<sup>۳</sup> (مسکن، وسایل زندگی، هزینه‌های رفاهی و معیشتی و نظایر آن) (حسینی، ۱۳۷۵)، سن (با تاکید بر رشد عاطفی، عقلی - اجتماعی و اخلاقی) (صالحی، ۱۳۸۴) و هوش<sup>۴</sup> (همسانی در بهره هوشی (کلارک وارن، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۱) توجه داشته‌اند. اما اکثر آنها این نکته را در نظر نگرفته‌اند که همه این عوامل می‌توانند به خوبی رعایت گردند اما فردی که می‌خواهد ازدواج کند انتظار چیزی جز واقعیت را داشته

---

1. personalty.  
2. culture.  
3. economic.  
4. Inelligence.

باشد! به زبان دیگر انتظارات او ناکار آمد و غیر منطبق با واقعیت باشند و با وجود شرایط مناسب برای ادامه زندگی، خود را ناموفق پنداشته و تصمیم به جدایی بگیرد. **انتظارات زناشویی** عبارتند از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی، چارچوب‌های از پیش تعیین شده و بایدها و نبایدهایی که زوجین در مورد همسر و زندگی زناشویی دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد و یا مبتنی بر واقعیت نباشد (خمسه، ۱۳۸۲). در هر حال افراد همراه با خود انتظاراتی به ازدواجشان می‌آورند از قبیل چیزهای جزئی، مسایل رایج، و یا مسائل عمیق و اغلب پنهان. این انتظارات بر اساس عواملی چون -خانواده مبدأ (اصلی)، روند اجتماعی شدن، ساختارها و فرصتها (هریس و لی، ۲۰۰۷) (۴) فرهنگ (ملک محمودی، ۱۳۸۰) شکل می‌گیرند. در یک تقسیم بندی انتظارات به **غیرواقع بینانه و انتظارات واقع بینانه تقسیم می‌شود** (خمسه، ۱۳۸۲). زوجهایی که باورهای غیرواقع گرایانه‌ای را برای آینده ازدواج خود دارند، در پذیرش رفتارهای نامناسب همسر خود دچار مشکل می‌شوند و با طرد و خصومت و به گونه‌ای منفی پاسخ می‌دهند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که انتظارات غیرواقع گرایانه در مقایسه با انتظارات واقع گرایانه به رضایتمندی کمتر از زندگی زناشویی بعدی منجر می‌شود. در برابر این انتظارات غیرواقع گرایانه می‌توان انتظارات واقع گرایانه را جایگزین کرد (خمسه، ۱۳۸۲).

به نظر می‌رسد متغییر جدید یعنی انتظارات زوجین، درونی‌تر از سایر متغیرهای مطرح شده باشد و راهکارهایی متفاوت را می‌طلبد. یکی از راههای آگاهی افراد در آستانه ازدواج از انتظارات مطلوب و نامطلوب درباره ازدواج و زندگی زناشویی و نیز آموختن مهارتهای لازم جهت ارتقاء روابط بین فردی، استفاده از دوره‌های آموزشی ویژه این افراد می‌باشد و به نظر می‌رسد آموزش‌های پیش از ازدواج نقش مهمی را در این راستا ایفا نموده و می‌توانند دانش فرد را در این زمینه ارتقاء بخشند. آموزش پیش از ازدواج، از اولویتهای اساسی در برنامه‌های پیشگیری از نابهنجاریهای فردی - خانوادگی، کاهش میزان طلاق و افزایش رضایتمندی از زندگی زناشویی است. در این دوره‌ها زوجین یا افراد

وارد فرایند آموزش مهارتها و شکل‌گیری اندیشه‌هایی می‌شوند که روابط بهنجار بعدی آنها را قوت می‌بخشد. این آموزش‌ها می‌توانند از طریق ارائه متون، سمینارها و سخنرانی‌ها و جلسات آموزش فردی و گروهی، کلاسهای درس و یا در کارگاههای آموزشی با حضور زوجها و متخصصان روان‌شناسی و مشاوره انجام شوند. (خمسه، ۱۳۸۲). متخصصان علم خانواده درباره کارآمد بودن آموزشهای قبل از ازدواج، اطمینان دارند. زوجهایی که در این برنامه‌ها شرکت داشته‌اند نگرش مثبتی به آموزش پیش از ازدواج و اثرات آن دارند و آن را رویداد ارزشمندی می‌دانند (خمسه، ۱۳۸۲). انتظارات نسبت به ازدواج و زندگی زناشویی نقش کلیدی را بازی می‌کنند (ساسلر و اسکون، ۱۹۹۷). در واقع یکی از عوامل موفقیت در ازدواج، انتظارات زناشویی کارآمد میباشند. برخلاف عقاید رایج که انتظارات در سالهای اولیه ازدواج تاثیر اصلی را بر رضایت زناشویی دارند، تحقیقات نشان می‌دهند مهارتهای همسران و مطلوبترین انتظارات مثبت، رضایتمندی باثباتی را در طول زمان پیش بینی می‌کنند، اما هنگامی که مهارتهای همسران مطلوب نباشند، انتظارات مثبت (واقع بینانه) کاهش عمیقی را در رضایتمندی زوجین در طول زمان پیش بینی خواهند نمود، در حالیکه انتظارات کمتر مثبت، رضایتمندی بیشتری را در مورد زوجین پیش بینی می‌کنند (ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴). انتظاراتی که از یک رابطه ازدواجی وجود دارد در سرنوشت و آینده ازدواج نقش بسزایی دارد. این انتظارات طی زمان و تحت تاثیر ارزشها، توقعات و توجهات مورد قبول جامعه شکل می‌گیرند ولی در عین حال ممکن است از فردی به فردی دیگر متفاوت باشند. انتظارات واقعی و متجانس زوجین از ازدواج عامل مهمی در موفقیت آنهاست و برعکس انتظارات ایده آل و غیر واقع بینانه می‌تواند منشاء آسیبهای بعدی گردد (فقیرپور، ۱۳۸۳). برخی عقیده دارند که انتظارات مثبت زناشویی ممکن است منجر به پیامدهای مثبت گردند و باید پرورش داده شود زیرا مردم را به سوی نتایج مثبت هدایت می‌کنند (پیل، ۱۹۵۲، به نقل از کارنی، ۲۰۰۴) در حالیکه دیگران عقیده ای متفاوت دارند (پاپ،

۲۰۰۰، به نقل از ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴).

آنچه مورد توجه است این موضوع می‌باشد که انتظارات در مورد آینده و روابط صمیمانه ممکن است دو عملکرد متفاوت را در ارزیابی روابط بین فردی داشته باشد. ضمن آنکه انتظارات می‌تواند به عنوان اهداف با ساختاری که باعث برانگیختگی فرایند تأیید انتظار شوند عمل کند تأیید این انتظارات می‌تواند از طریق دو مکانیسم رخ دهد: الف) تأیید ادراکی (دارلی و گراس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ هاستورف و کانتریل<sup>۲</sup>، ۱۹۴۵، کلی<sup>۳</sup>، ۱۹۵۰؛ میلر و تورنبول<sup>۴</sup>، ۱۹۸۶؛ به نقل از ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴) و ب) تأیید رفتاری (دارلی و فازیو<sup>۵</sup>، جوسیم<sup>۶</sup>، ۱۳۸۶؛ مرتون<sup>۷</sup>، ۱۹۴۸؛ روزیتال و جاکوبسون<sup>۸</sup>، ۱۹۶۸؛ اسنیدر<sup>۹</sup>، برشید<sup>۱۰</sup>، ۱۹۷۷؛ به نقل از ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴).

در همین حال باید توجه داشت که امروزه با تأکید بر ازدواج به عنوان رابطه، انتظارات زناشویی مورد تجدید نظر قرار گرفته است. انتظارات یکی از پنج پدیده می‌باشند ( پنج پدیده شناختی عبارتند از انتظارات، ادراکات، اسنادها، استانداردها، فرضیه‌ها) که هنگامی که تحریف شود در آشفتگی‌های زناشویی سهم خواهد بود (باکوم واپستین، ۱۹۹۰، به نقل از شارپ و گانگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴). در نظام روابط بین فردی، افراد با انتظارات معینی وارد رابطه می‌شوند که بر رفتار آنها به شیوه مثبت یا منفی موثر است. در یک رابطه زناشویی موفق انتظارات تعریف می‌شود و رابطه را بنا می‌نهند که هر کدام از زوجین موافقت می‌کنند که مقداری از ارزشها (انتظارات تعریف شده) را در رابطه تعریف شده برآورده ساخته و همزمان ارزشهای هموزن یا بزرگتری را از رابطه دریافت نمایند که این

- 
1. Darley and Gross.
  2. Hastorf and contril.
  3. kelley.
  4. Miller and Turnball.
  5. Fazio.
  6. Jussim.
  7. Morton.
  8. Rozental and Jacobson.
  9. snyder.
  10. Berscheid.
  11. sharp & Ganeng.

انتظارات به طور مشخص تعریف شده و مبتنی بر واقعیت می‌باشد (مولر و کوئین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). اما برخی از افرادی که انتظارات غیرواقع بینانه‌ای نسبت به زندگی زناشویی دارند انتظار دارند که با ازدواج همه چیز حل می‌شود، تمام مشکلات از بین می‌رود و ازدواج شادی و آرامش دائمی را به ارمغان می‌آورد (بیرقی، ۱۳۸۷). واقعیت این است که در صورتی که انتظارات همسران متناسب با واقعیت نباشد رضایتمندی زناشویی کاهش می‌یابد و منجر به نتایج مخربی از زندگی زناشویی خواهد بود (ناتلی و کارنی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در زمینه آموزش پیش از ازدواج تحقیقات زیادی انجام شده است. فاورز و اولسون (۱۹۸۶) در پژوهشی نشان دادند که آمادگی پیش از ازدواج بر رضایت زوجین مؤثر است. همچنین زست<sup>۳</sup> (۱۹۷۳) در پژوهشی نشان داد آموزشهای مهارتهای ارتباطی پیش از ازدواج باعث افزایش دانش شرکت کنندگان در مورد ارتباط و نیز میزان خود افسایی آنها به نامزد یا دوستانشان می‌شود.

ولینت<sup>۴</sup>، بلنجر و استرادا<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) به اثر این آموزشها در افزایش مهارتهای ارتباطی و حل مساله می‌گردد. کارل و دوهرتی (۲۰۰۳) هم برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج را بر بهبود کیفیت روابط نشان دادند. ضمن آنکه استنلی، ساماتو، جانسون و مارکمن<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند افراد استفاده کننده از این آموزشها از سطوح بالاتری از رضایت و تعهد در ازدواج و سطوح پایین تری از تعارض و نیز کاهش نرخ طلاق را نسبت به گروه گواه برخوردارند. در زمینه انتظارات زناشویی نیز تحقیقات متعددی انجام شده است. جونز و نلسون<sup>۷</sup> (۱۹۹۶) در پژوهشی نشان دادند بطور کلی افراد دارای انتظارات خاصی از ازدواج (بدبینانه، واقع بینانه، غیرواقع بینانه) هستند و همچنین افرادی که انتظارات ایده آل گرایانه‌ای از ازدواج داشتند، احتمال

1. Moller & coughlin.

2. Nutly & Karney.

3. Zosst.

4. valiente.

5. Blanger and strada.

6. stanledy & samuto and Johnson & Narkman.

7. Iones and Nelson.

بیشتری داشت که به سبکهای عشق اساطیری مثل اروس و غیره معتقد باشند و احتمال بیشتری داشت که سطوح بالایی از رمانتیک بودن- را نشان دهند. همچنین مطالعات متعددی نشان می‌دهد که انتظارات همسران از آنچه که در رابطه دریافت می‌کنند بر ارزیابی آنها از روابط تاثیر می‌گذارد (باکوم، استین، رانکین<sup>۱</sup>، بورت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ داوون<sup>۳</sup>، فریتاس<sup>۴</sup>، میکائیلیس و خوری<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ فلچر و سیمپسون<sup>۶</sup> و توماس، ۲۰۰۰؛ لی، ۱۹۹۸؛ ناتلی و کارنی، ۲۰۰۲؛ موری<sup>۷</sup>، هولمز و گریفین<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶؛ استنلی، بلوم برگ<sup>۹</sup> و مارکس، ۱۹۹۶؛ به نقل از ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴).

پیننگتون<sup>۱۰</sup> و پینینگتون (۲۰۰۰) به تفاوت خوشبینی و انتظارات دانشجویان دانشگاه از خانواده‌های سالم، خانواده‌هایی که یکبار طلاق در آنها رخ داده بود و خانواده‌هایی که چندین بار طلاق در آنها رخ داده بود اشاره نموده‌اند. شارپ<sup>۱۱</sup> و گانگ (۲۰۰۰) به بررسی تاثیر نظام دار بر اعتقادات غیرواقع بینانه و رمانتیک دانشجویان کالج در مورد ازدواج پرداختند و گزارش نموده‌اند دانشجویان در گروههای آموزش نظام دار نسبت به گروه گواه به طور معناداری انتظارات رمانتیک خود از ازدواج را پایین آوردند.

سرجین<sup>۱۲</sup> و نابی (۲۰۰۳)، به بررسی تاثیر تلویزیون بر انتظارات ایده آل در مورد ازدواج و قصد ازدواج پرداختند گروه نمونه ۲۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه بودند. نتایج نشان داد اگر چه روی هم رفته تماشای تلویزیون ارتباط منفی با انتظارات ایده آل گرایانه از ازدواج دارد، تماشای برنامه‌هایی از نوع

- 
1. Rankin.
  2. Burnett.
  3. Downey.
  4. Freitas.
  5. Michaelis and Khouri.
  6. simpson.
  7. Murry.
  8. Holmes and Griffm.
  9. Blumbery.
  10. pinnington and pinninyton.
  11. sharp and Ganenge.
  12. sergin and Nabi.

رمانتیک (کم‌دیهای رمانتیک، نمایشهای پر احساس و غیره)، به طور مثبتی با انتظارات ایده آل گرایانه از ازدواج مرتبط است. علاوه بر این، ارتباط مثبت و قوی بین این انتظارات و قصد ازدواج وجود دارد. دلیون،<sup>۱</sup> چیر،<sup>۲</sup> دیکسون و ایس<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) به بررسی تاثیر طلاق و خشونت خانوادگی بر انتظارات زناشویی پرداختند و یافته‌هایشان نشان داد که خشونت خانوادگی و طلاق تاثیر معنا داری بر انتظارات زناشویی دانشجویان بر خاسته از این خانواده‌ها نداشت. اما دختران در انتظارات زناشویی تفاوت معنا داری نسبت به یکدیگر داشتند و انتظارات رمانتیک خود را از ازدواج پایین آورند.

ناتلی و کارنی (۲۰۰۴) در بررسی انتظارات اولیه نشان دادند که تاثیر انتظارات مثبت در رضایتمندی زناشویی طی چهار سال اول ازدواج به وسیله ماهیت رفتارهای تعاملی و اسنادهای ارتباطی همسران، تعدیل می‌شود. با توجه به پیامدهای ویرانگر ازدواج‌های ناموفق بر بهداشت روانی و جسمانی زوجین، فرزندان و جامعه، لزوم بررسی روی انتظارات افراد نسبت به زندگی زناشویی و به تبع آن افزایش ازدواج‌های موفق و کاسته شدن از میزان طلاق رسمی و روانی با وضوح هر چه تمام‌تر آشکار می‌گردد. و با توجه به تاثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی در این پژوهش سعی بر آن است که به این سوال پاسخ داده شود که آیا آموزش پیش از ازدواج در دانشجویان دانشگاه اصفهان (خوراسگان) می‌تواند انتظارات نا کار آمد آنها نسبت به ازدواج را کاهش دهد؟

### فرضیه

آموزش پیش از ازدواج انتظارات زناشویی نا کارآمد دانشجویان را کاهش می‌دهد.

- 
1. Dilloon.
  2. Chair.
  3. Dixon and Ellis.



## روش تحقیق

این تحقیق نیمه تجربی است چون انتخاب آزمودنی‌ها در مرحله اول به صورت داوطلبانه بوده است.

در این تحقیق دو گروه آزمایش و کنترل شامل دانشجویان دختر در شرف ازدواج خوابگاهی دانشگاه اصفهان (خوراسگان) که تحت آموزش قرار گرفته‌اند و آنهایی که تحت آموزش قرار نگرفته‌اند شرکت داده شده‌اند و پیش آزمون و پس آزمون بر روی هر دو گروه اجرا گردیده است. اما یکی از شرطهای تحقیقات آزمایشی مبتنی بر انتخاب تصادفی اعضاء رعایت نشده است، زیرا به خاطر شرایط خاص جامعه آماری، محقق مجبور شد از دانشجویان داوطلب برای شرکت در دوره‌های آموزشی استفاده نماید. هر چند در مرحله بعد جهت تقسیم آنها به دو گروه آزمایش و کنترل از نمونه گیری تصادفی (قرعه کشی) استفاده شده است. بنابراین تحقیق حاضر از نوع تحقیقات نیمه تجربی می‌باشد.

طرح تحقیق این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

پس آزمون	متغیر مستقل	پیش آزمون	گروهها
T2	X	T1	گروه آزمایش
T2	-	T1	گروه گواه

**جامعه آماری:** جامعه آماری این پژوهش شامل ۴۷۰ دانشجویان دختر در شرف ازدواج ساکن خوابگاه دانشگاه اصفهان (خوراسگان) در سال ۸۹-۱۳۸۸ می‌باشد.

**نمونه و روش نمونه گیری:** نمونه مورد نظر در این پژوهش ۵۰ نفر از دختران در شرف ازدواج ساکن خوابگاه دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان بودند که به طور داوطلب در کارگاههای آموزشی پیش از ازدواج شرکت کرده بودند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (N=۲۵) و کنترل (N=۲۵) قرار گرفتند.

## ابزار پژوهش

پرسشنامه انتظارات زناشویی نا کار آمد: این پرسشنامه شامل ۳۲ سوال و دارای پاسخ‌های پنج گزینه ای طیف لیکرتی (همیشه تا اصلاً) بود. حداقل

نمره پرسشنامه صفر و حداکثر ۱۲۸ بود. امیدوار (۱۳۸۶) پایایی پرسشنامه انتظارات زناشویی نا کارآمد را با استفاده از آلفای کرونباخ معادل  $a=0.92$  محاسبه نموده است. و برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه آن را در اختیار پنج متخصص و مشاور، در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان قرار داده است و آنان محتوای پرسشنامه را تأیید نموده‌اند. او در این مطالعه مقدماتی که بر روی ۴۶ نفر انجام شده، ابتدا سوالات اولیه را اصلاح نموده و سپس ضریب آلفای کرانباخ اولیه مناسبی (معادل  $0.80$ ) را به دست آورده و گزارش نموده است. هر چه نمره کسب شده فرد بالاتر باشد نشانگر انتظارات نا کار آمد بیشتر وی می‌باشد.

**شیوه اجرا:** پس از انتخاب نمونه و گمارش تصافی در گروه آزمایش و کنترل برای آزمودنهای گروه آزمایش جلسات آموزشی پیش از ازدواج به صورت گروهی برگزار گردید. پس از انجام جلسات از دو گروه آزمایش و کنترل پرسشنامه‌های انتظارات زناشویی نا کارآمد به عنوان پس آزمون ارائه شدند.

کارگاههای آموزشی طی شش جلسه ارائه شدند. این جلسات هفته‌ای یک بار به مدت ۹۰ دقیقه تشکیل شد. شرح جلسات برنامه آموزش پیش از ازدواج به صورت زیر بود: ۱- ضرورت آموزش پیش از ازدواج. ۲- فرایند آشنایی، نظرات آشنایی، اشتباهات مهم دوره آشنایی، خواستگاری و مهارتهای ارتباطی و شیوه حل تعارض. ۳- عشق، ویژگی‌های عشق و نقش آن در ازدواج و افسانه‌های عشق (باورهای غلط درباره عشق). ۴- انتخاب همسر، دلایل ازدواج، ویژگی‌های افراد مناسب و نامناسب و پیش‌بینی‌کننده‌های ازدواج موفق، ملاک‌ها و دلایل ازدواج موفق. ۵- نامزدی (محدودیتها، مزایا، کارکردها). ۶- سال اول زندگی مشترک.

**روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:** آمار توصیفی شامل جدول، نمودار، فراوانی، درصد، درصد تراکمی، میانگین، انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل تحلیل کواریانس، با کنترل آماری نمرات پیش آزمون گروههای کنترل و آزمایش استفاده شده است.

## یافته‌ها

در جدول‌های شماره ۱ و ۲ یافته‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین نمرات پیش آزمون انتظارات زناشویی به تفکیک گروهها و نمرات پس آزمون پس از کنترل آماری نمرات پیش آزمون انتظارات و سن

پس آزمون		پیش آزمون		تعداد	گروهها	متغیر
خطای استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین			
۲/۴۳	۹۰/۸۲	۱۶/۰۱	۱۰۳/۲۴	۲۵	آزمایش	انتظارات
۲/۴۳	۱۰۰/۸۵	۱۴/۳۹	۱۰۱/۲۴	۲۵	کنترل	

مطابق با آنچه در جدول ۲ ذکر شده می‌توان گفت در پیش آزمون قبل از آنکه نمرات سن کنترل شوند میانگین نمرات انتظارات گروه آزمایش معادل ۱۰۳/۲۴ و از نظر عددی کمی بیشتر از گروه کنترل (۱۰۱/۴۴) می‌باشد. پس از کنترل آماری نمرات سن و پیش آزمون انتظارات این شرایط معکوس شده است یعنی میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش معادل ۹۰/۸۲ و از نظر عددی کمتر از گروه کنترل (۱۰۰/۸۵) شده است. یعنی پس از اجرای آموزش‌ها انتظارات ناکارآمد زناشویی در گروه آزمایش کمتر شده است.

نتایج تحلیل آنکوای مربوط به مقایسه میانگین نمرات پس آزمون انتظارات گروه آزمایش و کنترل پس از کنترل آماری نمرات سن و نمرات پیش آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل کواریانس مربوط به مقایسه میانگین نمرات پس آزمون انتظارات زناشویی ناکارآمد گروه آزمایش و کنترل پس از کنترل آماری نمرات سن و نمرات پیش آزمون

منبع	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب f	معنی داری	واریانس مشترک	توان آماری
گروه‌ها	۱۱۶۹/۹۴۲	۱	۱۱۶۹/۹۴۲	۸/۲۱	***۰/۰۰۶	۰/۱۵	۰/۸۰
نمرات پیش آزمون	۶۰۸۲/۸۶	۱	۶۰۸۲/۸۶	۴۲/۷۲	***۰/۰۰۰	۰/۴۸	۱۰۰
سن	۲۰/۷۰	۱	۲۰/۷۰	۰/۱۴	۰/۷۰	۰/۰۰۳	۰/۰۶

(\*\*\* معنی داری ۰/۰۰۱ < p)

همانطور که در جدول ۲ می‌توان مشاهده نمود، تحلیل کواریانس پس از کنترل نمرات سن و پیش‌آزمون نشان داده است که نمرات پس‌آزمون گروه‌های آزمایشی و کنترل به طور معنی‌داری ( $p < 0/01$ ) تفاوت داشته‌اند. همانطور که قبلاً در جدول ۱ نشان داده شد، میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش (۹۰/۸۲) کمتر از گروه کنترل (۱۰۰/۸۵) بوده است. بنابراین می‌توان گفت آموزش پیش از ازدواج باعث شده است به طور معنی‌داری میانگین انتظارات زناشویی ناکارآمد در گروه آزمایش کمتر از گروه کنترل گردد.

همچنین در جدول فوق ملاحظه می‌شود ۱۵٪ از واریانس را تفاوت‌های گروهی به خود اختصاص داده‌اند. توان آماری نیز معادل ۸۰٪ محاسبه شده است. نمرات پیش‌آزمون نیز نقش مهم و معنی‌داری را داشته‌اند ( $p < 1/01$ ) و برنتایج تحقیق تاثیر گذار بوده‌اند اما متغیر سن نقش خاصی در نتایج نداشته است. بنابراین می‌توان گفت فرضیه اول تایید شده است و می‌توان گفت آموزش پیش از ازدواج از نظر آماری به طور معنی‌داری باعث شده است تا انتظارات زناشویی ناکارآمد گروه آزمایش نسبت به کنترل کاهش یابد.

بنابراین آموزش پیش از ازدواج به طور معنی‌داری توانسته است انتظارات زناشویی ناکارآمد گروه آزمایش را نسبت به گروه کنترل کاهش دهد ( $p < 0/01$ ).

## بحث

نتایج ارائه شده نشان داد آموزش پیش از ازدواج انتظارات زناشویی نامطلوب دانشجویان را کاهش داده است. این نتیجه با یافته شارپ و گانگ (۲۰۰۰) که مبنی بود بر تاثیر آموزش نظام دار بر انتظارات غیرواقع واقع بینانه و رمانتیک دانشجویان کالج در مورد ازدواج همخوان است. آنها نشان دادند که دانشجویان در اثر آموزش به طور معناداری انتظارات غیرواقع بینانه و رمانتیک خود را از ازدواج تعدیل نموده‌اند. با توجه به این مطلب که رمانتیک بودن برای تداوم رابطه ضروری است، شواهد نشان می‌دهد که در جایی از رمانتیک بودن به عنوان ضربه گیر عمل می‌کند و روابط صمیمانه را از تمرکز بر روی جنبه‌های منفی همسران حفظ می‌کند. اما افراد نباید به طور افراطی انتظارات رمانتیک در مورد زندگی

زناشویی داشته باشند (موری و هولمز، ۱۹۹۷ به نقل از شارپ و گانگ، ۲۰۰۰). آموزش صحیح و علمی مواردی مانند آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض، حل مسئله و دلایل ازدواج به دانشجویان در آستانه ازدواجه نظر در افزایش واقع‌نگری آن‌ها نقش داشته است. در بحث انتظارات گفته شد هنگامی که همسران در مهارت‌های ارتباطی و تکنیک‌های حل تعارض تبحر داشته باشند، قادر به ایجاد شرایطی می‌باشند که باعث برآورده ساختن انتظارات مثبت و واقع‌بینانه آنها می‌شود. طی اجرای تحقیق به وسیله همکار با تجربه در امر آموزش، محقق با توجه به بررسی پیش‌آزمون متوجه ضعف‌های ارتباطی دانشجویان شد و به خوبی آگاه بود که درچه حیطه‌هایی از مهارت‌ها با نقصان روبه‌رو هستند و به نظر می‌رسید از این جهت بین سه آموزش ذکر شده، مورد اول تأثیر گذارتر از مواد دیگر بوده است. دانشجویان نه تنها نقص در مهارت‌های ارتباطی، بلکه در مهارت‌های بیان و دریافت نیز با بسیاری از مشکلات آشکار رو به‌رو بودند، مشکلاتی مثل عدم تفاهم، توجه ناکافی به یکدیگر، اشکال در گوش دادن و افزایش تعارض در حل مسئله و.... به احتمال زیاد از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی مولفه‌های احترام (توانایی گوش دادن و توجه به همسر، درک و فهم (توانایی و درک همدلانه آنچه همسر شخص تجربه می‌کند، حساسیت (آگاه بودن از نیازهای همسر) و به‌طور کلی انتظارات آنها مطلوب و واقع‌بینانه‌تر شده بود. کارل و دوهرتی (۲۰۰۳) در ارزیابی کارآمد بودن برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج نشان دادند که میانگین اثر برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج ۸۰٪ بوده است. این بدان معناست که افرادی که تحت آموزش پیش از ازدواج قرار می‌گیرند به‌طور معناداری، عملکرد بهتری نسبت به افرادی داشتند که تحت این آموزشها قرار نگرفته بودند. همچنین یافته‌های وی نشان دادند که برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج در فراهم آوردن دستاوردهای سریع و کوتاه در مهارت‌های بین‌فردی و به‌طور کلی کیفیت روابط موثراند. امروزه ویژگی‌های ازدواج اساساً تغییر کرده است. قبلاً ازدواج به‌عنوان یک اقدام اجتماعی با هدف امنیت اقتصادی و تولید مثل تلقی می‌شد. امروزه ازدواج به‌عنوان مسیری به سوی تحقق خود تلقی می‌گردد. همانطور که انتظارات زناشویی بیشتر و متفاوت‌تر می‌شوند، انتظاراتنا

کار آمد و نا منطبق با نیازهای کنونی خانواده‌ها و برای تحقق خود، جامعه را به سمت نرخهای طلاقهای بیشتر سوق می‌دهد. در این تحقیق تاکید بر انتظارات زناشویی در درون مفهوم ازدواج به عنوان یک رابطه بوده است، نه در درون ازدواج به عنوان یک سنت و از این نظر لازم است ذکر شود انتظارات حاصل در دانشجویان مبتنی بر شرایط موجود بوده و همین نکته اساسی توانسته است به تغییرات مطلوب در ایشان منجر گردد. به نظر می‌رسد وجود دانشجویان دیگر در اطراف آن‌ها غالباً باعث می‌گردد آن‌ها ایده آل‌ها و انتظاراتی غیر واقعی و مبتنی بر چشم و هم چشمی در باره ازدواج کسب کرده باشند که فرسنگ‌ها از آنچه زندگی بیرون از دانشگاه به آن نیاز دارد فاصله دارند. نیاز به وجود مداخلات علمی و حساب شده در تمام مراحل تحقیق به صورتی آشکار نمایان بود به گونه ای که غالباً انتظارات نا منطبق با شرایط جامعه محقق و همکاران را متعجب می‌نمود و این احساس را ایجاد می‌نمود که در این حوزه نیاز شدیدی به مداخلات حساب شده وجود دارد. این مطلب در مورد حیطة «انتظارات از زندگی زناشویی» و حیطة «انتظارات یک رابطه ایده آل» نیز مصداق داشته است. نتایج این تحقیق نشان داد آموزش مهارتهای پیش از ازدواج توانسته است انتظارات ناکارآمد زناشویی دانشجویان دختر را کاهش دهد. بنابراین به مسئولان دانشگاه توصیه می‌گردد این قبیل آموزشها را به صورت برنامه ریزی شده برای کلیه دانشجویان در آستانه ازدواج ارائه دهند. همچنین از آنجا که اجرای جلسات و جمع کردن دانشجویان جهت این قبیل دوره‌ها که طبق تحقیق حاضر موثر بوده‌اند به صورت کلی تا حدودی مشکل است، پیشنهاد می‌گردد مراکز را در قالب مراکز مشاور ازدواج و آموزشهای پیش از ازدواج تأسیس نمایند تا دانشجویان بتوانند از خدمات آن استفاده نمایند و یا اینکه به صورت مدون در برنامه‌های مراکز موجود در دانشگاه بگنجانند. انتظار می‌رود ارائه این قبیل خدمات می‌تواند در کاهش افت تحصیلی و یا مشکلات دیگر مرتبط با مشکلات حاصل از انتظارات نا کار آمد و عواقب آن بکاهد.

## منابع

- امیدوار، بنفشه. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر آموزش غنی سازی زندگی زناشویی بر نگرشها و انتظارات زناشویی زوجین شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- نرگس اولیا. (۱۳۸۸). آموزش غنی سازی زندگی زناشویی. تهران: دانشکده دانشه.
- بیرقی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). آموزش های مهارت قبل از ازدواج. تهران: انتشارات نوای دانش.
- حسینی، محمود. (۱۳۷۵). مشاوره در آستانه ازدواج. تهران: انتشارات آوای نور.
- خمسه، اکرم. (۱۳۸۲). آموزش قبل از ازدواج. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا. پزشکده زنان.
- صالحی، میترا. (۱۳۸۴). بررسی معیارهای انتخاب همسر از نظر جوانان تحصیل کرده دانشگاهی و غیر دانشگاهی شهرستان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رودهن.
- مهناز فقیرپور. (۱۳۸۳). مهارت های اجتماعی و سازگاری زناشویی. رشت: سازمان بهزیستی استان گیلان.
- کلارک، ویل وارن. در جستجوی عشق و زندگی. ترجمه قراچه داغی. (۱۳۸۱). تهران: انتشارات اوحدی.
- ملک محمودی، امیر. (۱۳۸۰). راهنمای ازدواج: آنچه که یک دختر و پسر درباره انتخاب همسر باید بدانند. قم: انتشارات مهشور.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۰). مشاوره قبل از ازدواج با جوانان. تهران: انتشارات نیکان کتاب.
- میرمحمد صادقی، مهدی. (۱۳۸۸). آموزش قبل از ازدواج. اصفهان: سازمان بهزیستی معاونت امور فرهنگی و پیشگیری.
- Corroll J S, Doherty WJ. 2003. Evaluating the effectiveness of premarital prevention program: A meta- analytic review of outcome research. Family Relations, 52: 105-118.
- Dillon H N, Chair,PC, Dixon W, Ellis J. 2005. Family violence and divorce: effects on marriage expectations. Journal of personality and Social psychology [on line], vol 43, no5 , pp 93-120. Available from <http://www.Sciencedirect.Com>.
- Fowers B J, Olson DH. 1986. Predicting marital success with prepares: A predictive validity study. Journal of Martial and Family Therapy, 12: 403-413.
- Harris K M, Lee H. 2006. The development of marriage expectations, attitudes, desire from adolescence into young adulthood, University of North Carolina at Chapel Hill. Department of Sociology and the Carolina Population Center. Available from: <http://www.coc.unc.edu/addhealth/contract.html>.
- Jones G D, Nelson E S.1996.Expectations of marriage among college students from intact and nonintact homes. Journal of Divorce and Remarriage, 26: 172-195.
- MC Nutly J K, Karney B R.2004.Positive expectations In the early years of marriage: Should couples expect the best or brace for the worst? Journal of personality and Social Psychology, 86: 726- 743.
- Muller F, Coughlin R A.1998.The Influence of one's expectations on behavior. Journal of family psychology,13: 321-342.

- Olson, D H, Gravatt E. 1968. Attitude change in a functional marriage course. *The Family Coordinator*, 17: 99-104.
- Pinnington M E B, Pennington J. 2000. Student's expectations and optimism toward marriage as a Function of Parental divorce. *Journal of divorce and remarriage*, 34: 297-331.
- Sasser S & Schoen R. 1997. The impact of attitude on marriage behavior. Department of population dynamics. John Hopkins University. available from: <http://www.jhsph.edu/popcenter/publications>.
- Segrin c, Nabi R L. (2002). Does television viewing cultivate unrealistic expectation about marriage? *Journal of communication*, 52: 247-263.
- Sharp E A, Ganeng L H. 2000. Raising awareness about marital Expectations. Are unrealistic Beliefs changed by integrative teaching? *family relation*, vol.49, no.59, pp: 71-76/[Accessed 1 june 2000].
- Stanley S M, Samato P R, Johnson C A, Markman H J. 2006. Premarital education, Marital quality, and marital stability: Findings from a large random household survey *Journal of family psychology*, 20: 117-126.
- Valiente C E, Belanger C J, Estrada A U. 2002. Helpful and harmful expectations of premarital interventions. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 28: 71-77.
- Zosst B V. 1973. Premarital communication skill education students. *The Family coordination*: 22: 187- 191.